روش استاد نریمان در تربیت شاگرد این گونه بود که اجازه می‌دادند شاگرد خودش باشد، گوهر وجود خودش را آشکار کند و خودش را در سازش بیابد. این گونه نبود که از ما بخواهند نعل به نعل شبیه او ساز بزنیم. به طور مثال اگر من زمان درس پس دادن به استاد، جملاتی را اشتباه می‌زدم او بلافاصله به من نمی‌گفتند که غلط می‌زنی که به این صورت در روحیه من ضعف ایجاد شود یا خیال کنم پس نمی‌توانم خوب ساز بزنم. او جمله درست را آن‌قدر بارها و بارها برایم تکرار می‌کرد که دیگر ملکه ذهنم می‌شد. هر کدام از شاگردان استاد همانند گل‌ها، عطری منحصربه‌فرد دارند. هر کدام به سبک و سیاق خودشان ساز می‌زنند که این نشان از تبحر استادی چون نریمان دارد که شاگردانش راه هنری را به درستی طی نموده‌اند.

اینکه می‌گوییم ساز استاد نریمان لحن ایرانی دارد به چه معناست؟ شاخصه‌های صدادهی ساز او چیست؟

همین که استاد نریمان ردیف موسیقی ایران را برای ساز عود به رپرتوار موسیقی ایرانی افزودند مهم‌ترین گام برای اعطای لحن ایرانی به ساز برداشته شد. اما نکته اصلی این است که هنرمند باید شعر بلد باشد. ردیف موسیقی ما وابسته به شعر و ادبیات است. هنرمندان نسل طلایی موسیقی ایران به ادبیات مسلط بودند. ادبیات همچون گوهری گران‌بها و نگین انگشتر موسیقی ایران است. در واقع ردیف منبعی بود برای اعتلای شخصیت هنری هنرمند که در غایت امر او را به بداهه‌پردازی می‌کشاند. دیگر مهم نبود کدام گوشه یا کدام دستگاه. بلکه همچون چوبی بر روی آب ذهن و روح هنرمند رها می‌شد. بداهه‌نوازی مهم‌ترین شاخصه‌ای است که می‌توان برای موسیقی ایران در نظر گرفت.

اما اکنون ردیف آن جایگاه فخیم گذشته را ندارد و شوربختانه بیشتر شبیه یک موضوع قدیمی و بی‌کاربرد به آن نگاه می‌شود. شما چه روشی را برای آموزش پیش گرفتید؟

بله. اکنون ردیف موسیقی ایران تبدیل شده است به یک مضمون خشک و بی‌روح و فرمایشی که هنرجویان از آن فراری هستند. من به جرئت می‌گویم طلایه‌داران موسیقی پس از انقلاب بزرگ‌ترین ضربه را به ردیف موسیقی ایرانی زدند. ردیفی که پیش از این با ادبیات همراه بود و به قدری با جان و روح هنرمندان عجین بود که بداهه‌نوازی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، تبدیل شد به چند قطعه خشک سازی که روح و جانی نداشت. این ضربه در تار و سه تار و سازهای این‌چنینی بیشتر به چشم می‌خورد. ردیف را باید کاربردی آموزش داد که همانا بهره‌گیری از ادبیات به صورت توأمان است. من با اعتقاد به اصل «شعر» ردیف را در ایران آموزش می‌دادم که هنرجو رفته رفته با ردیف عجین شود. نمونه خوبی از ردیف که آن را کاربردی می‌نامم، ردیف استاد ابوالحسن صبا و یا استاد فرامرز پایور است. من در آلبوم «مثنوی صبا» برخی از آثار استاد صبا را برای عود تنظیم و منتشر کردم.

یکی از مهم‌ترین خدماتی که استاد نریمان به هنر موسیقی ایران نمودند این بود که ساز عود، که در رپرتوار موسیقی ایران بسیار مهجور بود را دوباره به صحنه موسیقی برگرداند و در واقع جایگاه آن را تثبیت کرد. شما اکنون وضعیت عودنوازی را در موسیقی ایران چه طور می‌بینید؟

عود از نظر کمی و کیفی بسیار پیشرفت کرده است. زمانی که من سراغ این ساز رفتم و آموختن را آغاز کردم حتی ساز برای خریدن پیدا نمی‌شد! کلی باید می‌گشتم که در نهایت یک ساز دست دهم بیابم! اما اکنون شما ببینید که چقدر سازنده ساز در ایران داریم و چه تعداد بی‌شمار نوازندگان بااستعداد. من زمانی داور یک جشنواره در ایران بودم، می‌دیدم چه تعداد زیادی هنرآموز و هنرمند عودنواز داریم که همگی آینده‌دار و بسیار توانمندند.

پس ما در عرصه جهانی حرفی برای گفتن داریم؟

بله چرا نداشته باشیم؟ ما نوازندگان فوق‌العاده‌ای داریم. ولی نباید خودمان را با جهان مقایسه کنیم. این توقع بیجایی است. شرایط آن‌ها به گونه‌ای است که گویی سوار بنز هستند و در یک جاده آسفالت می‌رانند. ولی راهی که ما پیموده‌ایم، پیمودن یک کوه پر از سنگلاخ بوده است. بعد از این همه سال هنوز موسیقی بلاتکلیف است. کنسرت برگزار می‌شود؟ نمی‌شود؟ پس نباید بیش از اندازه تنها از هنرمندان انتظار داشت.

گمانم همین که بتوانیم عودنوازی ایرانی را حفظ کنیم قدم مهمی برداشته‌ایم.

نباید بیش از اندازه اعتنا کنیم به این مسئله که عود ساز ایرانی است یا خیر؟ در دنیای الان چه فرقی می‌کند این ساز در گذشته‌های دور از چه سرزمینی آمده است؟ مهم این است که اکنون چه کسانی از این ساز بهره می‌برند؟ مثل این است که بگوییم مولانا بلخی نیست! خب هست مدت زیادی آنجا زندگی کرده است و خب بماند که بلخ هم در آن زمان بخشی از ایران بوده است. حکایت ساز عود هم همین است. به هر حال این ساز متعلق به همین منطقه از کره زمین است و اکنون باید دید چه طور از آن استفاده می‌شود. به نظر بنده مهم نیست که اول چه کسی چه کاری انجام داده است، مهم این است که الان چه طور به این ساز روح می‌بخشیم؟ ویلون‌ساز ایرانی نیست، اما شما می‌بینید هنرمندان توانمند ما، چه طور با این ساز فضای ایرانی را جان می‌بخشند و ارائه می‌کنند.

هرگاه که از این نسل طلایی حرف می‌زنیم، جز افسوس و دریغ برایمان نمی‌ماند که چرا دیگر چنین هنرمندانی پدید نیامدند. به نظر شما اینکه در نسل ما، آدم‌های پیشرو و اسطوره به چشم نمی‌خورند به چه علت است؟

اینکه موسیقی ما در این سال‌ها رشد و اعتلای کافی را پیدا نکرده و به طور مثال آن نسل طلایی تکرار نشده است ریشه در شرایط اجتماعی داشته است. شما ببینید در دیگر حیطه‌ها مثل شعر، سینما و ... نیز تقریبا وضعیت به همین گونه بوده است. به هر حال آن شرایط نبستا با ثباتی که در دهه ۳۰ تا ۵۰ وجود داشته است باعث می‌شد هنرمند با فراغ‌بال به سلوک معنوی و راه و رسم هنری خویش بپردازد. اما نسل ما مدام با تلاطم‌های گوناگون دست و پنجه نرم کرده است و شرایط اجتماعی هیچ‌گاه برای موسیقی و به طور کلی هنر مهیا و آماده نبوده است.

«عصر جدید» مرا از دست داد

ناگفته‌های عباس رثایی هنرمند مشهدی حاضر در برنامه عصر جدید

زردکانلو-افخمی

رو در رو

متواضعانه می‌خندید و رضایتش از برق چشمانش حتی از پشت ماسک هم پیدا بود. از اینکه از برنامه عصر جدید حذف شده بود و نتوانسته بود نظر داوران را برای بار دوم جلب کند ناراحت نبود. عباس رثایی می‌گفت: من چیزی را از دست ندادم؛ «عصر جدید» بازی من را از دست داد.

مرحله دوم برنامه «عصر جدید» شنبه شب آغاز شد و عباس رثایی، بازیگر مشهدی با وجود اجرای تاثیرگذارش از رسیدن به بخش آرای مردمی بازماند. در این مرحله از «عصر جدید»، در هر قسمت ۵ شرکت‌کننده با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. از میان آن‌ها افرادی که بتوانند چراغ سفید از داوران بگیرند به فینال آن شب می‌روند. در فینال نیز داوران ۲ نفر را انتخاب می‌کنند تا مردم به آن‌ها رأی بدهند. درنهایت کسی که رأی بیشتری به دست بیاورد به مرحله نیمه‌نهایی راه پیدا می‌کند. در اولین شب اجراهای مرحله دوم رثایی، هنرمندی که در دور قبل با اجرای نمایشی درباره شهدای غواص توانسته بود نظر هیئت داوران را جلب کند، در این مرحله به اجرای نمایشی با محوریت زیارت امام‌رضا(ع) که درددل‌های یک خلافکار را با حضرت روایت می‌کرد پرداخت. این اجرا برای رثایی که ۲۱ سال است کار تئاتر انجام می‌دهد ۳ رأی مثبت آریا عظیمی‌نژاد، امین حیایی و سید بشیر حسینی راه به همراه داشت. اما رویا نونهالی ترجیح داد رأیش ممتنع باشد و زنگ سفید و یا قرمز را به صدا درنیاورد. به این ترتیب رثایی با ۳ چراغ سفید به فینال قسمت اول مرحله دوم عصر جدید راه پیدا کرد. درکنار او گروه «جوانمردان ایران زمین» با اجرای حرکات باستانی و زورخانه‌ای، عرفان طهماسبی خواننده و علی جعفری شعبده‌باز هرکدام با ۴ چراغ سفید در فینال شب حضور داشتند. در نهایت از میان این افراد داوران گروه «جوانمردان ایران زمین» و عرفان طهماسبی را برای بخش آرای مردمی انتخاب کردند و کار عباس رثایی با دو اجرا در عصر جدید به پایان رسید. این بازیگر مشهدی که در صحبت‌های پیش از اجرای دومش عصر جدید را به رنگین‌کمان زیبای بعد از باران تشبیه کرده‌بود بعد از حذف از برنامه گفت: «من همیشه دنبال کشف و شهود هستم، در این برنامه هم کشف و شهود من این بود که ۵۰ میلیون ایرانی دو اجرای متفاوتم را بر روی این استیج بزرگ ببینند و همین برای من زیباست.» عباس رثایی پس از اینکه از عصر جدید حذف شد، ناگفته‌های بسیاری را با ما در میان گذاشت که در ادامه می‌خوانید.

شما در اجرای اولتان در برنامه عصر جدید خوش درخشیدید و توانستید نظر داوران را جلب کنید. اما پس از اجرای دوم برخلاف اینکه احساسات داوران را برانگیختید نتوانستید رأی مثبت آن‌ها را بگیرید.

امام رضا(ع) به من کمک کرد و اجرا از دقیقه دو به بعد اوج گرفت و یک سکوت عظیمی برقرار شد. من در اجرا تمام حواسم به دوربین‌ها بود که مثلا دارم با ضریح امام رضا(ع) صحبت می‌کنم اما دیشب که برنامه را دیدم، متوجه شدم چرا برخی تماشاگران هنگام اجرا گریه می‌کردند و داوران متأثر شدند. آنچه که در برنامه پخش نشد این بود که آقای علیخانی به خانم نونهالی گفت به همکارت رأی بده. خانم نونهالی استدلال عجیبی کردند که به نظرم مانند استدلال آقای حسینی در دوره قبل بود. گفتند من کار قبلی آقای رثایی را اکتیوتر و پر جنب‌وجوش‌تر دیدم. من هم گفتم بانو نونهالی من دارم درس پس می‌دهم ولی گوشه حرم که نمی‌شود معلق زد و اکتیو بود ضمن اینکه دوره قبل آقای حیایی به من گفتند اجرای بعدی‌ات متفاوت باشد. من این دفعه برخلاف دوره قبل که کارم فیزیکال بود بدن را ثابت نگاه داشتم و روح کلمات و واژه‌ها در حال حرکت بود. وقتی من این حرف را زدم، خانم نونهالی گفت من به شما جسارت نکردم. گفتم همین که شما به من رأی قرمز ندادید برای من برد است.

بالأخره با ۳ رأی مثبت رفتم فینال اما در نهایت برای حضور در مرحله بعد انتخاب نشدم و خیلی دلم برای کار خودم سوخت. ما آنجا به دلیل فشارهای روحی و روانی کار بقیه شرکت‌کنندگان را نمی‌توانیم ببینیم. من تازه دیشب اجرای عرفان را دیدم و با احترام به صدای زیبای ایشان باید بگویم از نظر من اجرای موفقی نداشت. البته هنر او با هنر من قیاس شدنی نیست، اما خیلی ناراحت شدم از این اتفاق.

با توجه به تأثیرپذیری داوران از اجرای شما، فکر می‌کنید چرا شما را انتخاب نکردند؟

یکی از عوامل اصلی و مطرح‌ترین‌های برنامه عصر جدید که نمی‌خواهم نامش را ذکر کنم به من گفت ما اگر کار تو را بالا می‌آوردیم محکوم به رادیکالیزم می‌شدیم، محکوم به اینکه این برنامه طرف‌دار کارهای ارزشی است و من گفتم امام رضا(ع) به هیچ‌وجه در رادیکال نمی‌گنجد. من به کسانی که من را محکوم به اجرای کار رادیکالی دفاع مقدسی یا ارزشی امام رضایی کردند فقط می‌توانم بگویم من بازسازی و ظهور دو آیین، نمایش و اسطوره و قصه خاطره‌انگیز در اذهان عاطفی و قلبی مردم ایران را بازی کردم.

یعنی فکر می‌کنید اگر نمایش دیگری را بازی می‌کردید نتیجه دیگری حاصل می‌شد؟

۷۲ ساعت قبل از ضبط برنامه به تهران رفتم نمی‌دانم چرا اما به من گفتند تنها شرکت‌کننده‌ای هستی که هزینه رفت و برگشت هواپیما و اقامتت در تهران را برنامه «عصر جدید» پرداخت می‌کند اما بعد متوجه شدم باید با یک تیم کارگردانی چهار نفره کار کنم و هرنقش و هر نمایشی را که آن‌ها می‌گویند اجرا کنم. به من گفتند متنت را فراموش کن و این متن را که ما برایت نوشتیم سه روزه برای اجرا آماده کن. به آن‌ها گفتم اگر این صحبت‌ها شوخی نیست بلیت برگشت من را بگیرید من برمی‌گردم مشهد. مگر می‌شود یک ماه با یک متن خو بگیرم بعد متن دیگری اجرا کنم؟ گفتم من این متن را کار نمی‌کنم و آن‌ها قبول کردند متن خودم را اجرا کنم.

نویسنده آن متن که بود؟

نویسنده‌اش همسر یکی از مربیان من در برنامه عصر جدید بود.

درباره بازخوردهایی که پس از اجرای دوم گرفتید برایمان بگویید.

همسرم شبی که من حذف شدم خیلی گریه کرد. گفت تو الان متوجه نمی‌شوی، دیشب که برنامه را دیدم فهمیدم منظورش چیست. اما کسی که وارد بازی شود باید قواعد بازی را هم قبول کند. حدود ۲۷۷ تلفن و ۶۰۰ پیامک بعد از اجرای اول داشتم اما در این دوره بازخوردها شگفت‌انگیز بود و بیشتر پیام‌ها درباره این بود که شما با این اجرا ما را از سرتاسر ایران به حرم وصل کردید. یک دزد به من پیام داد و گفت ۱۱ سال در زندان بودم این برنامه را دیدم و فقط می‌خواهم بیایم حرم و توبه کنم. به نظر من با همه احترامی که برای عوامل عصر جدید قائلم، عصر جدید من را به عنوان بازیگری که می‌تواند در اذهان عمومی کشورش تأثیرگذار باشد از دست داد، من اگر به مرحله بعد می‌رفتم، نقش و نمایش بسیار متفاوتی بازی می‌کردم و این حرفم را نیز از سر غرور نمی‌گویم.

درباره این نقش و نمایش برایمان بگویید؟

می‌خواستم نقش یک حیوان را در یک کمدی بسیار قوی با بیان بدن و موسیقی اجرا کنم.

حالا چه تصمیمی برای این نمایش دارید؟

اگر کرونا اجازه دهد می‌خواهم در همه جای ایران اجرایش کنم. یک مونولوگ چهل دقیقه‌ای است.

از هوشنگ جاوید که خود عامل حضور شما در برنامه عصر جدید بود و نویسنده همین متن نمایش اجرای دومتان بود، چه بازخوردی گرفتید؟

او امروز به من زنگ زد و گفت بازخوردها خیلی مثبت بوده و اصلا تو حق نداری درباره اینکه حذف شدی یا نشدی فکر کنی.

حجت‌الاسلام مروی تولیت آستان قدس رضوی هم در صفحه اینستاگرامش با انتشار ویدئوی اجرای شما از شما تقدیر کرده بود.

بله. امروز میهمان ایشان و آقای محمدمهدی برادران مدیرعالی حرم مطهر بودم. به من قرآنی هدیه دادند. آن‌ها از من تشکر کردند. آقای برادران نیز به من گفت: من خیلی شاگرد تربیت کرده‌ام اما حاضرم همه ثواب این کارم را با کاری که تو در عصر جدید انجام دادی معاوضه کنم. گفتم هزار برابر هم بدهید من این افتخار را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.

درباره موسیقی پس زمینه اجرا و عوض کردن گریمتان بگویید ایده خودتان بود؟

من متأسفانه در جریان هیچ‌کدام از موسیقی‌هایی که در حین اجرای برنامه من پخش شد نبودم. من سه تا آهنگ همراه خود برده بودم که آهنگ اول را یکی پیشنهاد داد نباشد من هم دیدم ایده خوبی است و از آن استقبال کردم. موسیقی دوم درست پخش شد موسیقی نی محمد نعیم بود و به حس و حال من کمک کرد اما دیشب متوجه شدم موسیقی‌ای در طول کار موسیقی من پخش شده است که بعدا اضافه شده و من در جریان آن‌ها نبودم. اما درباره گریمم نیز باید در ۱۵ ثانیه آن را عوض کردم. در واقع روزبه معینی که از قدیمی‌های سینماست در ۲۰دقیقه مانده به اجرا، این ایده به ذهنش رسید و ما آن را انجام دادیم که آریا عظیمی‌نژاد به من گفت ما امشب هم مهران را از دست دادیم و هم سیبیل‌های عباس را.

برنامه هنری عباس رثایی برای آینده چیست؟

من منتظر پیشنهاد بازی در یک نقش درجه یک در فیلم‌سینمایی یا یک سریال هستم. نقشی که نقطه قوت فیلم باشد. فقط می‌خواهم به عنوان حرف آخر از مسعود قصابی دبیر کمیسیون فرهنگی شورای شهر، محمدعلی صباغی مسئول بسیج هنرمندان خراسان رضوی، محمد زعفرانی از مدیران بسیج هنرمندان، محمدمحسن مصحفی معاون شهردار و رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد که برای حضور من در عصر جدید خیلی زحمت کشیدند و مرا کمک کردند تشکر کنم.

محسن جوادی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از برگزار نشدن سی‌وسومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۹۹ خبر داد. جوادی با اعلام این خبر گفت: چیزی به عنوان نمایشگاه کتاب تهران که شامل همه بخش‌ها باشد و ناشران به دور هم جمع شوند و مخاطبان از آن بازدید داشته باشند، برگزار نخواهد شد.

بگذارد؛ به طوری که هر بار مخاطب نام او را در اثری می‌بیند، با کنجکاوی ترغیب شود که ببیند کیانیان این بار چه کرده و کدام نقش را ایفا کرده است. او سبک کاری خود را در برابر سبک بازیگرانی معرفی کرد که پیش‌بینی می‌شوند و مخاطب عمدتا از قبل می‌تواند حدس بزند که در فیلم‌های ایشان با چه نقشی رو به رو خواهد شد.

رضا کیانیان، در این قسمت از صحبت‌هایش، به سراغ الگوهای خارجی رفت و آلپاچینو را بازیگری دانست که عمده نقش‌هایش گنگستر یا پلیسر بوده است. او در مقابل، سبک خودش را به بازیگرانی همچون دنیل دی‌لوییس، کوین اسپیسی و تام هنکس نزدیک دانست که مخاطب پیش از تماشای فیلم‌هایشان، نمی‌تواند درباره کاراکتری که با آن روبه رو خواهد شد، حدسی بزند. کیانیان مدعی شد که همین رویکردش در بازیگری، باعث شده اهمیتی به طول و عرض نقش‌ها ندهد و صرفا به متفاوت بودن آن‌ها توجه کند.

او در همین باره مثال سریال «کیف انگلیسی»، ساخته مرحوم ضیاءالدین دری، را مطرح کرد که نقش‌های اصلی آن را نپذیرفته، اما تصمیم گرفته نقش کوتاه و متفاوت یک روحانی را انتخاب کند که در خاطر مردم هم ماندگار شد. کیانیان که نقش‌های اصلی را عموما نقش‌های تکرارشونده می‌دانست، در ادامه به مقایسه دو کاراکتر جیمز باند و بتمن با نقش‌های منفی مقابلشان پرداخت و توضیح داد که از این مجموعه فیلم، آن‌هایی در ذهن مخاطب ماندگار شده که کاراکترهای منفی جاافتاده‌تری داشته‌اند.

سپس جابر قاسمعلی از کیانیان درباره نقش‌های منفی او سؤال کرد که بازیگر باسابقه مشهدی به نقش سلحشور در «آژانس شیشه‌ای» اشاره کرد و از قول تهیه‌کننده فیلم این گونه نقل کرد که «مردم از میدان انقلاب به پایین برای حاج کاظم دست می‌زنند و از میدان انقلاب به بالا برای سلحشور». او نقش شاپور بهبودی در سریال «شهرزاد» را هم «یکی از منفورترین انسان‌های جهان» دانست که با همکاری نویسنده و کارگردان، خلق شده بود.

بخش پایانی این گفت‌وگو به ارتباط کیانیان با نویسندگان مربوط بود که این بازیگر در پاسخ به نقل خاطراتی از همفکری‌هایش با فرهاد توحیدی، نویسنده باسابقه سینما و تلویزیون، در فیلم «گاهی به آسمان نگاه کن» اثر کمال تبریزی و سریال تلویزیونی «یک مشت پر عقاب» ساخته اصغر هاشمی، اشاره کرد که در این آثار پیشنهادهایش را، از عنوان اثر گرفته تا بخش‌های مختلف آن، با توحیدی در میان می‌گذاشته و درباره آن‌ها به بحث و تبادل نظر می‌پرداخته‌اند. او همچنین از تجربه خلق شخصیت عبدا... زبیر در سریال «مختارنامه» داود میرباقری هم صحبت کرد و توضیح داد که پانزده روز به همراه عبدا... اسکندری برای رسیدن به گریم مناسب این نقش تلاش می‌کرده و نهایتا به آن شمایل خاص برای شخصیت به یادماندنی سریال رسیده‌اند. در پایان، کیانیان به تمجید از کار کارگردان‌ها پرداخت و تفاوت بین پیشنهاد دادن به کارگردان و دخالت در کار او را بیان کرد. او در این باره توضیح داد که کارگردان خالق اصلی اثر به شمار می‌رود و بازیگر باید ابتدا از فضای ذهنی کارگردان آگاهی یابد و سپس خلاقیت‌های خودش را در چهارچوب جهان فکری کارگردان به او پیشنهاد کند.

تندیس نصیریان در قاب هزاردستان

روز گذشته از تندیس علی نصیریان رونمایی شد

روز شنبه ۲۱ تیر از تندیس علی نصیریان در تالار معاصران موزه سینما رونمایی شد. تندیسی که بر اساس نقش‌آفرینی این بازیگر در فیلم سینمایی «کمیته مجازات» ساخته شده‌است. علی نصیریان که خود در این مراسم رونمایی حضور داشت با قدردانی از ساخت این تندیس و اینکه حس خوبی را به او منتقل کرده است، گفت: یادم می‌آید علی حاتمی به من می‌گفت، دلم می‌خواهد هزاردستان آلبومی از خودت، کشاورز، انتظامی، رشیدی و مشایخی شود و این جمله من را برای پذیرفتن نقش ابوالفتح صحاف مشتاق‌تر کرد.

او یادآور شد: دو ماه در گرمای تابستان سر فیلم‌برداری برای این نقش بودم. این شخصیت یک صحاف بود که بیماری سل داشت و به خاطر همین بیماری از همسرش جدا می‌شود که این سکانس برای من بسیار جذاب بود و حس خوبی داشت.

نصیریان درباره همکاری‌اش با کارگردان‌های مختلف نیز توضیح داد: شیوه‌ای که برای کارم دارم این است که نظراتم را از وقتی متن را می‌خوانم با کارگردان در میان می‌گذارم. در مورد فیلم‌های حاتمی نیز به همین شکل بود. البته مرحوم حاتمی خیلی دخالت نمی‌کرد و دست ما را باز می‌گذاشت. اینکه چطور بازی کنیم مربوط به خود بازیگر است و اغلب کارگردان‌ها رئوس و دیالوگ‌ها را کنترل می‌کنند. بازیگری، خود کاری خلاقانه است که در ابتدا بازیگر باید شخصیت را تجسم کند و ابعاد دیگر آن نیز صدا و لحن است.

او با اشاره به مراوداتش با چهره‌های ماندگار سینما از جمله انتظامی، کشاورز، رشیدی و مشایخی گفت: هیچ وقت بین من و همکارانم رقابتی وجود نداشت و با هم وارد حاشیه نمی‌شدیم. همیشه در کنار هم کار می‌کردیم و در مورد نقش‌هایمان حتی از یکدیگر مشورت می‌گرفتیم. من معتقدم نکته‌یابی‌ها در گفت‌وگو به وجود می‌آید زیرا با گفت‌وگو روابط خیلی نزدیک‌تر می‌شود. درست است که مدرسه بازیگری و کلاس تئاتر رفتم اما این‌ها درمان درد من نبود. درمان من آمد و شد با آدم‌هایی همچون فرخ غفاری و فریدون رهنما، منوچهر انور و داوود رشیدی بود که از آن‌ها بسیار آموختم.

نصیریان با بیان اینکه سینما را از داریوش مهرجویی یاد گرفته است، خاطرنشان کرد: مهرجویی بسیار باسواد است و من در چند فیلم او حضور داشتم. یکی از باسوادترین، خلاق‌ترین و کاربلدترین کارگردان‌هاست و به گردن سینمای ایران حق دارد. من در اثر تلویزیونی «گاو» هم حضور داشتم که با فیلمی که مهرجویی ساخت بسیار متفاوت بود، زیرا فیلم مهرجویی بسیار خلاقانه ساخته شد و با غلامحسین ساعدی فیلم‌نامه جدیدی نوشتند.

تأکید بر تبلیغ و ترویج خوش‌نویسی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی در دیدار با محمد تعریفی هنرمند خوش‌نویس و کاتب قرآن بر ضرورت تبلیغ، ترویج و حفظ هنر خوش‌نویسی تأکید کرد. جعفر مروارید در این دیدار با اشاره به جایگاه و ارزش والای هنر خوش‌نویسی در فرهنگ شرق گفت: در بین هنرهای اسلامی، خوش‌نویسی به واسطه ارتباط با کلام وحی از تقدس ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو باید بیش از گذشته تلاش شود تا با فعالیت‌های سازمان یافته و مفید برای تبلیغ، ترویج و همچنین حفظ این میراث گران‌بها در جامعه گام برداریم و با آموزش به نسل جوان این هنر را گسترش دهیم. در این دیدار محمد تعریفی به بیان تاریخچه خوش‌نویسی و همچنین خط ثلث پرداخت و درباره فعالیت‌های خود توضیح داد: من در زمینه خط ثلث مشغول به فعالیت هستم و گزیده‌ای از آثارم در کتب (روائع الخط العربی) در کشورهای عربی به چاپ رسیده و شناخته شده است. او کتیبه‌نویسی آیات و روایات قرآنی را یکی دیگر از آثار خود خواند و گفت: تاکنون ۲۰ جلد کتاب خوش‌نویسی با عنوان «شمیم ثلث» خوش‌نویسی شده که تعدادی از آنان چاپ و تعدادی در حال چاپ است. همچنین بیشترین کتیبه‌های خوش‌نویسی شده در حرم مطهر حضرت رضا(ع) بوده‌است. لازم به ذکر است، در این دیدار حجت‌الاسلام محمدتقی کاظمی‌نسب معاون قرآن و عترت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی نیز حضور داشت.

سهم کودکان و نوجوانان از کتابخانه عمومی خراسان رضوی چقدر است؟

اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، آماری از میزان استفاده کودکان و نوجوانان از بخش‌های کودک کتابخانه‌های عمومی استان ارائه کرد. بر اساس این گزارش، اکنون بیش از ۴۰ درصد اعضای کتابخانه‌های عمومی زیر پوشش اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی را کتابخانه‌های عمومی کودکان و نوجوان تشکیل می‌دهند. خردسالان و کودکان در سه رده سنی الف، ب و ج (پیش‌دبستانی تا پنجم ابتدایی) مخاطبان و کاربران بخش کودک و رده‌های سنی ۱۲ تا ۱۸ سال کاربران بخش نوجوان کتابخانه‌ها هستند. در بخش کودک کتابخانه‌ها امکان بازی، سرگرمی، مطالعه در محل و امانت کتاب فراهم شده‌است. همچنین فعالیت‌های فرهنگی از جمله برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه کودکان و والدین، جلسات جمع‌خوانی، شعرخوانی، نویسندگی، قصه‌گویی، نقاشی، کاردستی و ... در کتابخانه‌های عمومی برنامه‌ریزی‌شده و به شکل مستمر در حال اجراست.

این گزارش همچنین سهم کتب کودک و نوجوان از میزان امانت کتاب در کتابخانه‌های عمومی را بیش از ۴۱ درصد اعلام کرده‌است به طوری که امانت کتاب‌ها در بخش‌های کودک و نوجوان کتابخانه‌ها در دوره زمانی یک‌ساله ۱۳۹۸ نزدیک به ۷۰۰هزار نسخه بوده است. از جمله کتاب‌های پرمخاطب در حوزه کودک و نوجوان که بیشترین میزان امانت را در کتابخانه‌های عمومی به خود اختصاص داده‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «تعطیلات زورکی»، «قصه‌های من و بابام»، «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، «۱۰ قصه از امام رضا (علیه‌السلام) برای بچه‌ها»، «ماجراهای پی‌پر فسقلی»، «قصه‌های شاهنامه» و «آشنایی با قرآن کریم برای نوجوانان».